



متن وصیت‌نامه بسیجی شهید منوچهر (اسماعیل) آبروشن



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾

(سوره آل عمران، آیه ۱۶۹)

«نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند بلکه زنده و^۱ حیات ابدی دارند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.»

سلام علیکم:

سلام بر امت شهیدپرور، سلام بر شهر شهیدپرور بهبهان:

همشهریان عزیز! زمان جنگ با دشمن است. زمان، زمان، زمان پیکار است؛ پس بشتابید به سوی میدان‌های جنگ که در انتظار شما پیکارگران است و بیائید^۲ ای مردان خدا که دیگر فرصت نیست و فرصت‌ها در حال تمام شدن است و اگر استفاده نکنید بعدها پشیمان خواهید شد. شما مردم عزیز باید از جنگ استفاده به شدت بکنید.

سخن دیگری با این کوردلان از خدا بی‌خبر!

ای از خدا بی‌خبران! شما تا کی می‌خواهید بر ضد اسلام و بر ضد ناموس اسلام بجنغید؟ و شما بدانید که فرصت‌ها روز به روز کمتر می‌شود و یک روز خواهید دید در محاصره فرامین و احکام اسلام قرار می‌گیرید و راه بازگشتی ندارید و در آخرت سزای اعمالتان را خواهید دید.

و نشانه کوری قلبشان این است که تا توان دارند در مقابل قوای اسلام می‌ایستند اما وقتی که به اسارت درآمدند روی به اسلام می‌آورند؛ چون از مرگ می‌ترسند و به دنبال مال دنیا دل خوش کرده‌اند و آخرت خود را فراموش کرده‌اند.

و اما در مقابل بسیجیان که عاشق شهادت هستند و هیچ گاه مرگ را فراموش نخواهند کرد. نمونه‌اش بسیجی که در بند عراق با خبرنگار هندی چنان گفت که دیدید و بسیجی، آن دوازده ساله‌ای که نارنجک به خود می‌بندد و زیر تانک می‌رود و بسیجی که در دست عراقیان مزدور افتاده و مرگ بر صدام [...] ^۳ ضد اسلام می‌گوید. بله، اینها شجاعت است.

اما شما منافقین و کوردلان چه شجاعتی دارید؟ شما هر وقت یک حزب‌اللهی را می‌بینید دم از اسلام می‌زنید، اما وقتی که با هم‌فکران خود می‌نشینید فوراً از وضع جنگ و خورد و خوراک و کمبودها و نهایتاً بر ضد سخن می‌گویید. پس لعنت خدا بر شما کوردلان باشد.

صحبتی اندک با خانواده‌ام!

پدر و مادر بزرگوaram و زحمت کشم سلام علیکم:

۱. اصل: به.

۲. اصل: بیاید.

۳. «و» حذف شده است.

ان شاء الله که خداوند صبر و استقامت به شما اضافه کند و اگر شهید شدم برای من گریه نکنید و بلکه برای حضرت زینب (س) و ۷۲ تن شهدای کربلا گریه کنید و اگر دیدید که دومین فرزندتان را در راه خدا داده‌اید، بدانید که گریه هیچ سود و استفاده‌ای نداشته بلکه خودتان را اذیت می‌کنید و از تو مادر عزیزم می‌خواهم به جای اینکه گریه کنی جلوی گریه دیگران را هم بگیری و آنها را راهنمایی کنی^۱ و این را برای اتمام حجت می‌گویم که من راضی نیستم کسی در مراسم من گریه کند و این را بدانید که هر چه گریه می‌کنید من را عذاب می‌دهید و از تو مادرم می‌خواهم که شیرت را حتماً حلالم کنی؛ چون من تو را خیلی اذیت کردم و خواهش دارم که شیرت را حلالم کنی. و از پدر عزیزم می‌خواهم ان شاء الله که در برابر خبر شهادتم استوار و [با] استقامت باشید و از تو می‌خواهم زحماتی [را] که برای من کشیده‌اید، ببخشید؛ چون من نتوانستم جواب زحمات شما پدر و مادرم را بدهم.

و از برادران و خواهران عزیزم می‌خواهم که مرا ببخشید و پدر و مادر را اذیت نکنید و به درس خواندنشان ادامه دهند و از برادرم بهروز می‌خواهم که اگر بدی کرده‌ام، مرا ببخشد و در کنار درسش به بسیج برود و پیشاپیش آنها حرکت کند و اگر رضا و مجتهد هم به سن بلوغ رسیدند، می‌خواهم که به بسیج بروند و مسجدها را پر کنند و نگذارند خالی شود و خدای نخواستہ همانند مردم کوفه نشوید و نیز وصیت می‌کنم که مراسم تدفینم چنین باشد: اگر جنازه‌ام را شنبه یا یک‌شنبه آوردند، شب دوشنبه بعد از دعای توسل به خاک بسپارند و اگر سه‌شنبه و یا چهارشنبه آوردند، جنازه‌ام را شب جمعه بعد از دعای کمیل به خاک بسپارند. ان شاء الله که مراسم دعا را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنید و می‌خواهم در مراسم دعا دستم را از تابوت بیرون آورید و انگشتانم را باز کنید تا دیگران بدانند هیچ چیز به آن دنیا نخواهیم برد بلکه توشه خوب و بد، آخرت است.

در ضمن از خانواده‌ام می‌خواهم یک ماه برایم روزه بگیرند و از مادرم می‌خواهم تا یک سال بعد از هر نماز، دو رکعت نماز قضا برایم به جا آورد. می‌خواهم قبرم تزئینی نباشد و اساس و شیرینی و میوه بر سر قبرم نیاورید مگر در مراسم هفته و چهلم، آنچه که خودم می‌گویم: یک کیلو انجیر و نیم کیلو خرما (رنگینک)، یک جعبه شیرینی. از اقوام و خویشان و همسایگان قدیمی و جدید طلب بخشش می‌کنم و هر کس پولی و یا چیزی از من طلب دارد [و] می‌خواهد، نزد پدرم بیاید و بگیرد.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام

تاریخ ۶۵/۹/۲۹

بازنشر وصیت‌نامه شهید، توسط گروه فرهنگی شهید بقایی

آدرس اینترنتی سایت: www.koocheyeshahid.ir